

برگزیده متون فارسی؛ ۶

همراه مولوی

داستان

شیرِ حق

(از دفتر اول مثنوی)



شماره شابک: ۹۷۸-۶۱۲-۱۲۷۳-۱۱-۲

پیشگفتار، گزارش، نقد و تحلیل

یاسین نیکوکر

با نظارت: دکتر هادی اکبرزاده

استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه فرهنگیان

- سرشناسه: نیکوکار، یاسین، ۱۳۷۹-
 عنوان و نام پدیدآور: همراه مولوی: داستان شیر
 حق / پیشگفتار، گزارش، نقد و تحلیل یاسین نیکوکار؛
 با نظارت هادی اکبرزاده.
 مشخصات نشر: مشهد: نشر دستور، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۵۲ ص.
 فروست: برگزیده متون فارسی: ۶
 شابک: 978-622-8273-11-2
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 ثبت: کتابنامه: ص. ۵۱-۵۲.
 موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۲-
 ۶۷۲ ق مثنوی -- نقد و تفسیر
 موضوع: Mowlavi, Jalaloddin Muhammad, ibn
 Muhammad, 1207-1273
 Masnavi, -- criticism and interpretation
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۷ ق -- تاریخ و نقد
 Persian Poetry-- 3th century -- History and
 criticism
 شناسه افزوده: اکبرزاده، هادی، ۱۳۰۲-، ناظر
 رده بندی کنگره: PIR5۳۰۱
 رده بندی دیویی: ۸۱۶/۳۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۲۴۸۲۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



نشر دستور

• همراه مولوی داستان شیر حق

• (از دفتر اول مثنوی)

• پیشگفتار، گزارش، نقد و تحلیل از: یاسین نیکوکار

• باانتقارت: دکتر هادی اکبرزاده

• طبع: لد: محدثه ثنائی فرد

• چاپ و تصادم: پشته قطعه: پالتویی (۵۲ صفحه)

• نوبت چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳

• شمارگان: ۳۰۰ جلد قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ تومان

• حق چاپ برای ناشر محفوظ است

• شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۸۲۷۳-۱۱-۲

• مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۵

• تلفن ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷

• پیام‌نگار: dasturpress93@gmail.com

• نشانی وبگاه: dasturpress.com

فهرست

مولوی، خداوندگار عشق / ۷

مقدمه / ۷

خلاصه شرح حال مولانا / ۸

وصیت‌نامه مولانا / ۱۰

آثار مولانا / ۱۱

مثنوی معنوی / ۱۱

خلاصه داستان خدو انداختن خصم در روی علی (ع) / ۱۴

ابیات و تعلیقات / ۱۷

خدو انداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و

انداختن علی شمشیر را از دست / ۱۷

سؤال کردن آن سر از علی (ع) که چون بر چون منی مظفر

شدی، شمشیر را از دست چون انداختی / ۲۸

جواب گفتن امیرالمؤمنین که سبب افتادن شمشیر از دست چه

بهره در آن حالت / ۳۱

گفتن امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه با قیصر که چون

خدو انداختی در روی من، نفس من جنیید و احلاس من عمل

نماند مانع کشتن تو از من / ۳۱

نقد و تحلیل / ۳۷

منابع و مآخذ / ۵۱

مولوی
خداوندگارِ عشق

مقدمه

هست احوالم خلافِ همدگر
هر یکی با هم مخالف در اثر
چونکه هر دم راهِ خود را می‌زنم
با دگر کس با نیاری چون کنم؟
موج لشکرهای احوالم بین
هر یکی با دیگری در جنگ و کین
می‌نگرد در خود چنین جریبِ کُردان
پس چه مشغولی به جنگِ دیگران؟

کیست گوینده این ابیات؟ کیست که
این چنین از تلاطمِ درون می‌گوید؟ کیست این
شوریده آرام‌نمایی که جانش تلاقی‌گاهِ اضداد
است؟

سرزمین ایران از دیرباز، مهد تفکرات عرفانی و تأملات اشراقی بوده است، از این رو در طی قرون و اعصار، نام آورانی بی شمار در عرصه عرفان و تصوف در دامن خود پرورش داده است. یکی از این بزرگان نام آور، حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی است که به ملای روم و مولوی رومی آوازه یافته است. (کریم زمانی، ۱۳۹۸: ۲۱)

خلاصه شرح حال مولانا

مولانا جلال الدین محمد مولوی فرزند سلطان الدین بهاء الدین بن محمد بن حسین خطیبی در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هـ.ق. در بلخ تولّد یافت پدرش سلطان العلماء بهاء الدین محمد، مشهور به بهاء ولد (۵۴۳ - ۶۲۸ هـ.ق.) از عرفا و خطبای معروف و از مریدان عارف بزرگ شیخ نجم الدین کبری بود. در سال ۶۱۰ هـ.ق. به هنگامی که جلال الدین شش ساله بود، پدرش بهاء ولد، به سبب اختلاف با امام فخر رازی^۱ و رنجش از

۱- افلاکی در مناقب العارفین، سبب مهاجرت بهاء ولد را اختلاف او با فخرالدین محمد بن عمر بن حسین رازی (۵۴۴ - ۶۰۶ هـ.ق.) عالم و متکلم مشهور به شمار آورده است که با موازین تاریخی وفق نمی دهد، زیرا فخر رازی در ۶۰۶ هـ.ق. وفات یافته، در صورتی که مهاجرت بهاء ولد در ۶۱۰ هـ.ق. اتفاق افتاده است.

خوارزمشاه، با خاندان و گروهی از یارانش به ترک بلخ گشت و بسوی غرب ایران رهسپار شد. نخست از راه نیشابور^۱ و بغداد به مکه رفت، از آنجا به شام روی نهاد و سپس به آسیای صغیر رهسپار شد. مدتی در ارزنجان رحل اقامت افکند، بعد به ملطیه رفت و پس از چهار سال سکونت در آن شهر، به لارنده^۲ عزیمت کرد و هفت سال در آنجا به سر برد، و در همین شهر به تکامی که جلال الدین هجده ساله بود، سادات العلماء، گوهرخاتون دختر خواجه لالای سمرقند را به عقد جلال الدین محمد درآورد. ثمره این ازدواج، بهاء الدین محمد، مشهور به سلطان ولد و علاء الدین محمد بودند. در این زمان، سلطان العلماء که در آسیای صغیر به سبب پارسایی و وقوف به علوم و فنون شهرت بسیار یافته بود، به دعوت علاء الدین کبیر سلجوقی (۶۱۶ - ۶۳۴ ه.ق.) به قونیه^۳ رفت. نهاد، در آن شهر اقامت گزید و مجلس وعظ و بحث برقرار ساخت که هر روز گروه کثیری از طالبان، برای درک فیض در آنجا گرد می آمدند.

۱- گویند که در نیشابور میان بهاء ولد و شیخ عطار ملاقات افتاد، و عطار،

مثنوی اسرارنامه را به جلال الدین هدیه کرد. (تذکره دولتشاه سمرقندی،

چاپ لیدن، ص ۱۹۳).

۲- مه شهر ارزنجان، ملاطیه، و لارنده در کشور ترکیه امروز قرار دارند.

۳- شهری در جنوب کشور ترکیه.

قونیه پایتخت سلاجقه روم و مرکز دانشمندان و صوفیان بود و بزرگانی همچون فخرالدین عراقی، صدرالدین قونوی، شرف الدین موصلی، نجم الدین رازی و دیگران، در آن شهر می زیستند. (وزین پور، ۱۳۷۵: ۲۵)

وصیت نامه مولانا

جامی می گوید: مولانا در وصیت اصحاب فرموده است: «أُصِيكُم بِتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَاطِيَةِ وَبِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَبِقِلَّةِ الْمَنَامِ وَبِقِلَّةِ التَّحَلُّلِ وَبِحِرَانِ الْمَعَاصِي وَالْآثَامِ وَبِمُوَظَّاتَةِ الصِّيَامِ وَبِرَامِ الْقِيَامِ وَتَرْكِ الشَّهَوَاتِ عَلَى الدَّوَامِ وَاحْتِمَالِ الْجَفَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ وَتَرْكِ مُجَالَسَةِ السُّفَهَاءِ وَالْعَالَمِ الْمُصَاحِبَةِ الصَّالِحِينَ وَالْكَرَامِ. وَإِنَّ خَيْرَ النَّاسِ مَنْ يَتَمَنَّعُ النَّاسَ وَخَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ وَالْمَدْلِيلُ وَخَذَهُ» (شمارا سفارش می کنم به ترس از خدا در بهان و عیان و اندک خوردن و اندک خفتن و اندک گفتن. و کناره گرفتن از جرم ها و جریرت ها، و روزه داشتن و نماز برپا داشتن و فرونهادن هواهای شیطانی و خواهش های نفسانی، و شکیبایی بر درشتی مردمان و دوری گزیدن از هم نشینی با نابخردان و سفலگان. و پرداختن به